

بررسی و شناسایی مولفه های نظام آموزش شهروندی

حامد اخوان^۱

چکیده:

هدف: بررسی و شناسایی مولفه های نظام آموزش شهروندی می باشد.

روش: از انواع کاربردی - توصیفی و تحلیلی و به شیوه استدلالی می باشد، از منابع و متون معتبر کتابخانه‌ای، استنادی و شبکه جهانی اینترنت بهره برده است، همچنین از نظرات کارشناسان و متخصصان مدیریت شهری نیز استفاده شده است. تایید مولفه های تحقیق به روش دلفی تعدیل شده بوده و از نظرات ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان مدیریت شهری کمک گرفته شده است. برای تایید مولفه ها از روش دلفی تعدیل شده استفاده شده است.

نتیجه گیری: این تحقیق نشان داد که مولفه های نظام آموزش شهروندی ۱۲ مورد می باشد و بر اساس این تحقیق متخصصان مدیریت شهری می توانند با تقویت این مولفه ها نظام آموزش شهروندی را استقرار و توسعه دهند.

مولفه ها عبارتند از: ۱- دستیابی به آموزش و دانش ۲- شناخت رساله حقوق شهروندی ۳- رعایت حقوق همسایگان ۴- رعایت حقوق اقلیت ها ۵- رعایت حقوق دیگر شهروندان ۶- نگهداری محیط زیست ۷- دستیابی به حمل و نقل عمومی ۸- حفاظت از زبان و میراث فرهنگی ۹- آزادی شرکت در انتخابات محلی ۱۰- حق گردهمایی و پیگیری امور ۱۱- حق مشارکت در امور شهری ۱۲- برخورداری از نیازهای اساسی مانند مسکن، تغذیه، آموزش، بهداشت و بیمه

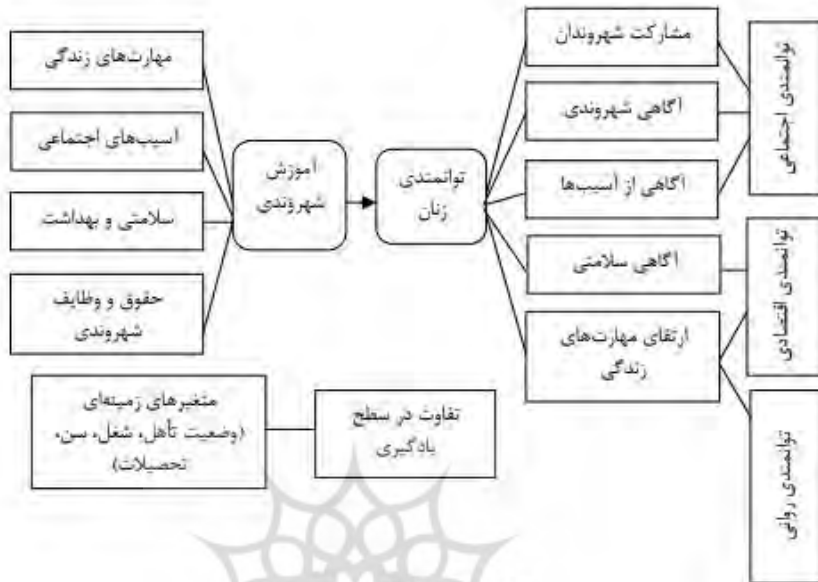
کلمات کلیدی: آموزش شهروندی، حمل و نقل عمومی، حقوق شهروندی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی

مقدمه

در تحقیقات مختلفی که درخصوص ارتباط بین آموزش و توانمندسازی در داخل کشور انجام شده است محققان دریافته اند که آموزش به افزایش توانمندی در گروه های هدف منجر شده است. برای نمونه، در مطالعات دوستی و شهرکی (دوستی & شهرکی، ۱۳۸۸) یا (ایرانزاده & بابایی هروی، ۱۳۸۹)، (صفری کنگ & همکاران، ۱۳۹۱) و (حسینی & همکاران، ۱۳۹۰) آموزش باعث افزایش قدرت، آگاهی و دانش و افزایش مشارکت گروه های هدف در امور سیاسی و اجتماعی شده و افزایش بروز رفتار شهروندی سازمانی در گروه هدف را به همراه داشته است. (امینی & همکاران، ۱۳۹۱) شایان ذکر است میزان و نوع تأثیر، بسته به شرایط و نوع گروه هدف و همچنین روش اجرای آموزش، متفاوت است؛ مثلاً، به لحاظ نوع تأثیر آموزش تحقیقات کاشانی (کاشانی، ۱۳۹۱) نشان میدهد آموزش افراد تأثیری بر مشارکت آنها ندارد، ولی درمجموع افزایش مشارکت افراد را در پی دارد. (خطیب زنجانی، ۱۳۸۹) همچنین محققان به این نتیجه رسیده اند که آموزش به صورت الکترونیکی و غیرالکترونیکی بر یادگیری کارکنان مؤثر است، اما روش الکترونیکی تأثیر بیشتری دارد. بسیاری از محققان خارجی نیز به تأثیر مثبت و افزایشی آموزش بر توانمندی گروههای هدف اشاره دارند. با اشاره به تأثیر آموزش بر افزایش توانمندی بیان میکند آموزش غررسمی شهروندی در ارتقای مهارتهای شهروندی و افزایش مشارکت مؤثر است. (خطیب زنجانی، ۱۳۸۹) در این زمینه، مگ گوان بیان میکند آموزش شهروندی باعث افزایش آگاهی و توانمندی افراد میشود. نتایج آموزشهای مرکز مطالعات توسعه شهری و منطقه ای، موسوم به CEDURE، از سال ۲۰۰۴ تاکنون، به افزایش حضور شهروندان در رقابت و همچنین توانمندی شهروندان برای ایجاد تغییر در محله منجر شده است. (Gowan & Thomas, 2006) بررسی ادبیات تجربی داخلی و خارجی نشان می دهد آموزش تأثیر انکارناپذیری در افزایش آگاهی و توانمندی افراد دارد. اما در همه پژوهش های بررسی شده جامعه آماری تقریباً همسانان بوده اند. مثلاً دانش آموزان یک کلاس، کارمندان یک سازمان، پرستاران، مدیران و این در حالی است که بانوانی شرکت کننده در کلاسهای آموزشی شهرداری ویژگیهای زمینه ای (سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، و...) متفاوتی دارند، ولی تحت آموزش یکسانی قرار میگیرند که این امر میتواند در اثربخشی این آموزش ها تأثیرگذار باشد. (نجار نهایندی & همکاران، ۱۳۹۴) در این تحقیق که بوسیله مریم نجار نهایندی و همکاران (۱۳۹۴) انجام گردید، مشخص گردید آموزش شهروندی بر توانمندسازی زنان تأثیر مثبت داشته است.

شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (نجار نهبوندی & همکاران، ۱۳۹۴)



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

برای دانش آموزان ایرانی مهمترین وظیفه تربیتی آموزش و پرورش افزایش مهارت‌های زندگی انسانی از طریق آموزش درست اندیشیدن، باید به عنوان بخشی از برنامه های درسی مدارس در نظر گرفته شود. باید آنان را برای زندگی در عصر نوجوانان و نظام ارزشی کودکان و هویت ملی و نگرش جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. غفلت از این وظیفه مهم، نه تنها باعث فقر هویتی آنان می شود بلکه فرهنگ و سبک زندگی بیگانه را نیز فراهم آورد. (لطف آبادی، ۱۳۸۵)

بیان مسأله

آموزش شهروندی در مدرسه به همین جهت، همه افراد در تمام طول شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و عینی از جهان، آموزش ببینند، در تمام تصمیم‌گیریهای مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی، و دانش و درک درست و زندگی خود نیازمند آموزشهای متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. دانش - به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با جامعه مشارکت کنند و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی پرورش باید به کودکان و احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی

اجتماعی و قابل اعتماد بارآیند. افرادی متکی‌به‌خود و علاقه‌مند و مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه جوانی می‌رسند وقتی که دانش‌آموزان به سن نوجوانی و آموزش لازم مشاوره و علاوه بر مهارت‌های ضروری، یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و آشنایی با قوانین و ارتباطگیری با ادارات و مسئولان دولتی را به آنان آموزش دهد. نوجوانان و در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده، مدیری گوناگون نظری و رفتاری و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده‌های از شایستگی‌های فکری و مدرسه باید نقش خود در کمک به آنان را در این عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند و نقش مستقل خود به عنوان یک امور پیچیده ایفا کند تا بتوانند به زندگی اجتماعی وارد شوند و شهروند مسئول را ایفا کنند. (لطف آبادی، ۱۳۸۵)

مقاله ۵

انسان باید ارزش پیدا کند و تربیت او مبنای توسعه قرار گیرد. چون هدف از آموزش و سرمایه گذاری آموزشی کشف و توسعه ی منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزش ها و استعدادها و بهینه کردن آن است چون محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، انسان بوده می باشد. آموزش مهم ترین رکن برنامه ریزی جامعه است و کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه. مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت های گوناگون برخوردار باشند. تعلیم و تربیت در جامعه ی اسالمی بر توسعه ی فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد؛ فرایند پویایی که هم می تواند به حالت انسجام و وابستگی درونی فرد عقل او و کارکردهای اجتماعی او بیندیشد و هم می تواند او را به ارزش های اخالق و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد، پایبند نماید. اگر واقفیم که آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت، در واقع همان پشتوانه های راهبردی رشد فرهنگ شهروندی و توسعه ی سیاسی کشور به شمار می رود. در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از* : آموزش مفید، اثربخش و کاربردی* تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه* تسهیل در فرایند جامعه پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم* هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه ی مطلوب* تربیت انسان های قانونمند، مشارکت پذیر، منظم، مسئول و پرتالش از طریق نهادینه سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن* جا انداختن فرهنگ تحزب گرایی و تمرین مشارکت در اداره ی امور مدرسه و جامعه* تقویت ایمان، روحیه ی شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنج ها، عدالت جویی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار توشیرو دوکو یکی از معماران توسعه ژاپن، امروزه درباره نقش سازنده و بارورکننده و رشد دهنده انسان و آموزش و پرورش در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می کند: ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم،

ظرفیت ابداع مغزهایمان .. این منبع پایان ناپذیر است. باید آن را ترکیب کرده، تمرین داده و مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه، در یک آینده نزدیک گرانبهاترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود. در کشور ژاپن تربیت انسان ها، بهترین مسأله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می کنند افراد بسیار محترم و با پرستیژ اجتماعی والایی هستند همین آموزش دهندگان هستند که در واقع، توسعه و زمینه های آن را (از طریق تربیت شهروندانی آگاه و مسئول (فراهم می آورند و ارزشمندترین سرمایه های انسان های با فرهنگ، آموزش دیده و با شخصیت آن جامعه هستند. (فیضی & همکاران، ۱۳۹۵)

بر همین اساس باید همه شهروندان در تمام حقوق و امتیازات باهم برابر باشند که از جمله اینها تساوی در تقسیم بیت المال، تساوی در بهره بردن از انصاف حاکم (قرآن کریم، ۶۰۹م)، تساوی در اجرای قانون (علی ابن ابی طالب، ۴۰هجری)، برابری در فرصت ها و مسئولیت و وظیفه دولت در قبال همه طبقات جامعه است. (ایزدی & آقامحمدی، ۱۳۱۱) حتی در کلام امام در نهج البلاغه (علی ابن ابی طالب، ۴۰هجری) توصیه ایشان به تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را می بینیم، امام در این بخش از پیام خود ارزش را به جلب رضایت عموم و سیاهه ملت و گسترش عدالت داده است و اینکه مالک در محبوبیت، میانه روی در حق است و بس و زمامدار باید توجه داشته باشد آنچه رضایت عموم را سبب می گردد، مقدم است بر آنچه رضایت خواص و بستگان را در برمی گیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت ناچیز است و بکار نمی آید و نمی تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنانچه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمی زند و توانایی کاری را ندارد؛ چون غضب خواص در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس مالک، بدست آوردن رضایت مردم و عموم ملت است نه رضایت خواص و بستگان و زمامدار زمانی عدالت را محقق نموده و گسترش داده است که عامه مردم از او راضی باشند چه خواص راضی باشند یا نه. در دیدگاه امیرمومنان حکومت تنها زمانی اعتبار می یابد که وسیله ای در جهت تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه این دیدگاه میتوان گفت که امیرمومنان چهار هدف و غایت مهم از شهروندی مد نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه سازی رشد و تعالی انسانها. در نامه ۱۳ نهج البلاغه از این قبیل توصیه ها فراوان است، از جمله سفارش به اجرای حق برای هرکس که باشد، حتی نزدیکان و دوستان، توصیه به پرهیز از امتیاز دادن به اطرافیان، توصیه به پرهیز از انحصار طلبی و اختصاص دادن اموال عمومی به خود، توصیه به پرهیز از تجاهل و حضرت با این بیانات به گستره ای باز برای شهروندی قائل است و برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه قشرهای جامعه اسلامی از نزدیکان حاکم تا عامه مردم از مسلمانان تا مردم اهل کتابی تحت حاکمیت حکومت اسلامی به سر می برند، یکسان می داند که این گستره باز از جمله شامل تساوی در برخورداری از بیت

المال، تساوی در بهره مندی از انصاف حاکم، تساوی در اجرای قانون، تساوی در برخورداری از فرصت هاست. آموزش شهروندی آماده کردن افراد برای تصمیم گیری و مسوولیت پذیری برای زندگی شخصی و اجتماعی است و شهروند کسی است که با هم‌نوع خود زندگی می کند و از طریق دولت حمایت می شود. از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی انجام می دهد (علی ابن ابی طالب، ۴۰ هجری). شهروندی راه های زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می کند. بنابراین شهروندی افراد از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی شود. بنابراین شهروندی در نحوه ی ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را در می یابد. در این راستا به اعتقاد تی، اچ، مارشال: «اولا شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است. ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند. باید دانست که شهروندی با احساس مسوولیت همراه است. و حس شهروندی در عمیق ترین معنای خود دارای دو جنبه ی مهم است: الف) جنبه مهمی از مسوولیت شهروندی، داشتن شرافت کاری است که بدون آن مدنیت پیشرفته ای حاصل نمی شود. ب) مسوولیت مدنی در جایی امکان بروز می یابد که جامعه ی مدنی به معنای واقعی مستقر شده باشد اما جامعه مدنی نمی تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسوولیت قوی برپا می گردد. این وظیفه ی سیستم آموزشی است که جوانترها را برای چالش ها و فرصت های پیش روی جهان در حال تغییر آماده کند. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می گردد. این مولفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه جانبه جوامع صنعتی و روبه پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی بوجود می آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی- ملی و جهانی است. چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مولفه های نظام دموکراسی- سیاسی و شاخص کلیدی برای تحقق دموکراسی در حوزه عمومی جامعه مدنی است. آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل "امتناع شهروندی" و "امکان شهروندی" و "ایجاب شهروندی" رشد کرده است. فرایند آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره ای از جامعه باید به افراد آن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می کنند ارائه داد. در واقع زمینه های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش های نوین جهانی می باشد. (فیضی & همکاران، ۱۳۹۵)

پیشینه تحقیق

در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخوردار است. آموزش شهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می‌کند. حاکمیت از طریق آموزش شهروندی الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و بالابردن توانایی سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی اجتماعی از یکسو و تعمیم‌پذیری الگوهای مشارکت و توزیع مناسب منابع می‌باشد، را مد نظر دارد. آموزش شهروند سیاسی در هر جامعه ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب‌های اجتماعی و سیاسی است، آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثر دارد. آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است. شهروندی مجموعه‌ای گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی، از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله (شهروندی) وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصتهای مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. براین اساس آموزش حقوق شهروندی همانا نهادینه سازی نظامی از حق‌ها و تکالیف‌های متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش‌والای انسانی است. (فیضی & همکاران، ۱۳۹۵)

آموزش حقوق شهروندی یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود یا به طور غیر رسمی در خانه (رفتار والدین بهترین الگوی عملی برای تقویت مهارت‌های شهروندی فرزندان جامعه می‌باشد) یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی. آموزش رسمی از مقطع آمادگی آغاز و تا دوره دانشگاهی ادامه می‌یابد. در هر یک از مقاطع آمادگی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با توجه به شرایط سنی و ذهنی کودکان و نوجوانان و جوانان، آموزش حقوق شهروندی با روش کاملاً (غیرمستقیم) از طریق نحوه رفتار و برخورد آموزگار با کودکان، (بعبارتی مدارس برای دانش‌آموزان فضایی فراهم کنند که دانش‌آموزان، شهر را تجربه کنند و با حقوق شهروندی به شکل عملی آشنا شوند. یعنی ساختارها،

روش ها و محیط های آموزشی برای تدوین و یادگیری شهروندی آماده شوند. و طرح مستقیم مفاهیم حقوق شهروندی با دانش آموزان، با بهره گیری از روش های تدریس فعال از جمله؛ روش حل مسئله، روش کاوشگری، روش پروژه، روش یادگیری و همچنین اطلاع رسانی در خصوص حقوق شهروندی با برگزاری کنفرانس، سمینار، دوره های کوتاه مدت و تهیه و تدوین کتابچه تصویری، کتب آموزشی، ابزار سمعی و بصری و فعالیت های فوق برنامه و اردوهای دانش آموزی به عنوان راهکارهای تربیت شهروندی بهره برد. امروزه باتوجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند. چرا که جهانی شدن نه فقط براققتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ ها و نظام های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می گذارد. به همین دلیل، برنامه ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت ها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن نیز خصوصیات ویژه ای را برای شهروند قرن ۲۱ می طلبد که می توان آن ها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد* :دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن* دانش مهارت و نگرش دمکراتیک* توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه ای دارند. واضح است که نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش های حاکم بر جامعه است و همچنین تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش آموز در آن به سر می برد، داشته باشد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می شود و مقدمه ی آموزش شهروندی جهانی را فراهم می آورد. (فیضی & همکاران، ۱۳۹۵)

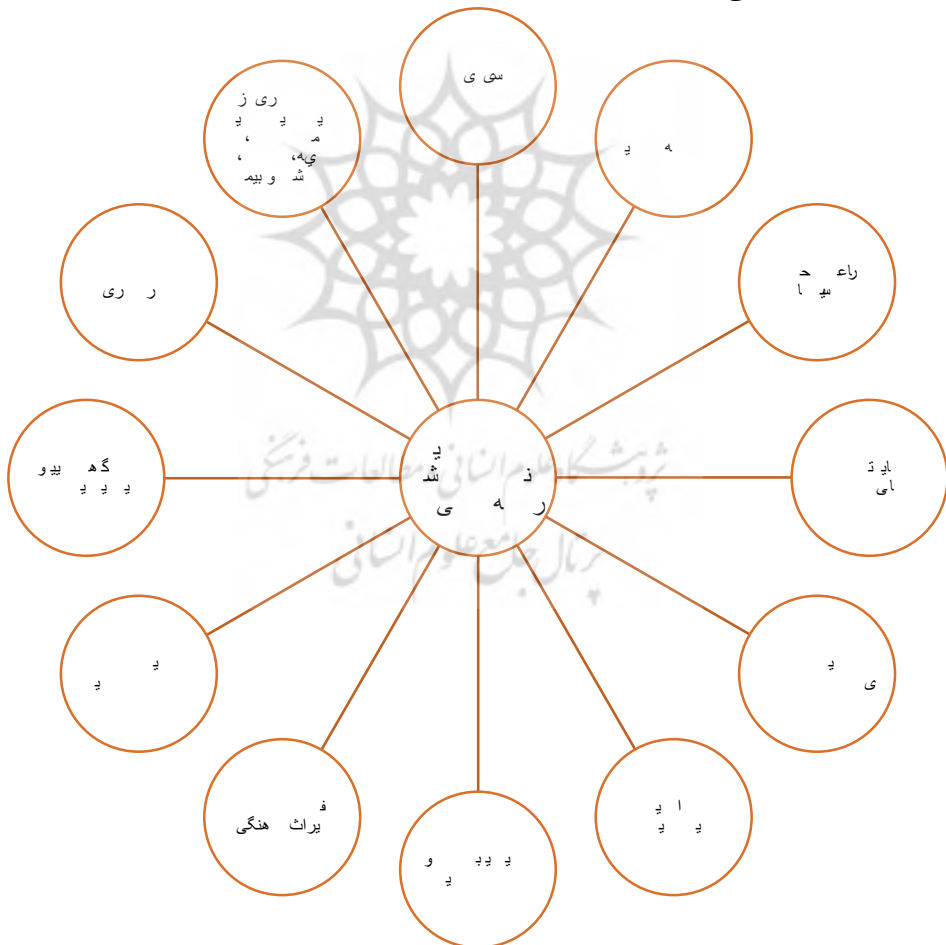
در آغاز قرن بیست و یکم، دیدگاه اکثر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت، بر این باور استوار است که امروزه دیگر، وظایف مدارس تنها به آماده کردن کودکان نوجوانان برای زندگی آینده در جامعه محدود نیست بلکه هدف اصلی آموزش و پرورش، تجربه و تمرین عرصه های گوناگون زندگی در مدرسه به عنوان جامعه کوچک است؛ جامعه ای که در آن تقویت تفکر انتقادی و خالق به جای روحیه همنوایی، تقویت همکاری ها، فعالیت ها و تعاملات گروهی به جای رقابتهای انفرادی و یادگیریهای سطحی و گذرا، تقویت اعتماد به نفس به جای خودپنداره منفی و آموزش و یادگیری به جای یاددادن مورد توجه قرار میگیرد. (Jamshidian, 2009 & Barkhordari) این رویکرد نشان دهنده اهمیت به سزای آموزش های شهروندی برای اقشار گوناگون مردم جامعه در سطوح مختلف و به ویژه دانش آموزان می باشد؛ امری که در اهداف کلی آموزش و پرورش ایران و در مدارس ما، اگر نگوییم که کاملاً نادیده گرفته شده، مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است. (Baratalipour, 2006) مفهوم (شهروندی)

در ادبیات علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت از سابقه بسیار طولانی برخوردار است و متخصصان این علوم همواره درصدد بوده اند ابعاد و ماهیت این مفهوم را مورد بررسی قرار داده تا نحوه شکل گیری رفتار شهروندی را تبیین نمایند. این مفهوم دربرگیرندگی عناصری مانند (هویت ملی)، (تعلقات اجتماعی)، (فرهنگی و فراملیتی)، (ظام اثربخش حقوقی)، (مشارکت)، (مذهبی و سیاسی) است و این عناصر با همدیگر ارتباط نظامدار داشته و با اتفاق مفهوم شهروندی را شکل میدهند و با عنایت به عناصر ذکر شده شهروند مطلوب به کسی گفته میشود که از هویت اصیل برخوردار باشد و متصف به خصوصیات و ویژگیهایی باشد که از همه افراد آن جامعه انتظار میرود داشته باشند و به پدیدههایی اجتماعی و فرهنگی آن جامعه احساس تعلق نماید و اطمینان حاصل کند که یک ساختار حقوقی اثر بخش تمام حقوق او را تضمین میکند و این مایه احساس مسئولیت وی گردیده و باعث میشود جهت اداره مطلوب جامعه اش در تمامی فعالیتهای مدنی و سیاسی به صورت فعال و آگاهانه مشارکت کند. (Gert, 2008) بنابراین میتوان اینگونه استنباط کرد که هر جامعه متناسب با زمینهای فرهنگی و ارزشی خود به شهروندان خاصی نیاز دارد تا بتوان در قالب حقوق، وظایف و مسئولیتهای تعیین شده ای، فعالیت نمایند البته حصول به چنین مقصودی مستلزم آن است که تدابیر و زمینه های الزم برای آماده سازی شهروندان فراهم گردد. آماده سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی اجتماعی به یک نگرانی مهم برای مقامات آموزشی اکثر کشورها تبدیل شده است و طیف وسیعی از تلاشها و تدابیر آموزشی و پژوهشی آنها صرف شناسایی ابعاد برنامه های درسی شهروندی و به نحوی پرورش مؤثر آنها در حیطه ی شهروندی میشود. (مجلل چوبقلو، ۱۳۸۷) این در حالی است که یکی از مهمترین کارکردهای آموزش و پرورش، در زندگی معاصر و جامعه ی کنونی، تربیت شهروندان فعال، خالق و مسئولیت پذیر برای برعهده گرفتن نقشهای شهروندی در جامعه شهروندی در سطح محلی، ملی و جهانی است. در واقع تربیت شهروندی تدارک فرصتهای کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توانمندیهایی است که فرد را در تعامل مؤثر با دیگر افراد جامعه در جهت مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی یاری میرساند، اما متأسفانه در نظام آموزش و پرورش، به ویژه در برنامه های درسی مدارس توجه الزم به این امر نمیشود. (Yarmohammadean & others, 2008) یکی از زمینه هایی که به ویژه در دهه ی اخیر در بسیاری از مجامع علمی بین المللی در زمینه تعلیم و تربیت از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است و دامنه مباحثات و پژوهشها در آن به طور فزایندهای در حال گسترش میباشد، مقوله تربیت شهروندی است. بی گمان میتوان گفت که فلسفه تشکیل هر نهاد یا سازمانی پاسخگویی به نیاز یا نیازهای معینی است و نظام آموزش و پرورش نیز از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزشهای اجتماعی تربیت و تحویل جامعه نماید (Diba Vajari, 2009). متأسفانه در نظام آموزش و پرورش به ویژه برنامه های درسی مدارس توجه الزام به تربیت شهروندی نمیشود و صرفنظر از آنکه برنامه درسی ویژه ای تحت عنوان (آموزش شهروندی) وجود ندارد،

در قالب برنامه های درسی دیگر نیز کمتر اثری از آن میتوان یافت. آموزش شهروندی یا مدنی دارای ساختار گسترده ای است تا افراد جوان را برای ایفای نقشها و مسئولیت های خود به عنوان شهروندان مسئول آماده کند و به ویژه نقش آموزش (از طریق تحصیل، آموزش و یادگیری) را در این فرایند آماده سازی، به خوبی ترسیم و تبیین نماید. (Zahabioun & others, 2013)

روش تحقیق: به صورت توصیفی و تحلیلی و استدلالی می باشد و از منابع و متون معتبر کتابخانه ای، استنادی و شبکه جهانی اینترنت نیز استفاده شده است. از نظرات ۲۰ نفر از متخصصان و کارشناسان خبره در این حوزه و اساتید دانشگاهی نیز برای تایید و افزایش غنای نتایج کمک گرفته شده است. برای تایید مولفه ها از روش دلفی تعدیل شده استفاده گردیده است.

شکل ۱- نمودار مفهومی تحقیق



ردیف	مؤلفه	تعداد نظرات موفه	تایید
۱	دستیابی به آموزش و دانش	۱۸	
۲	شناخت رساله حقوق شهروندی	۱۷	
۳	رعایت حقوق همسایگان	۱۸	
۴	رعایت حقوق اقلیت ها	۱۶	
۵	رعایت حقوق دیگر شهروندان	۱۶	
۶	نگهداری از محیط زیست	۱۷	
۷	دستیابی به حمل و نقل عمومی	۱۸	
۸	حفاظت از زبان و میراث فرهنگی	۱۶	
۹	آزادی شرکت در انتخابات محلی	۱۷	
۱۰	حق گردهمایی و پیگیری امور	۱۸	
۱۱	حق مشارکت در امور شهری	۱۸	
۱۲	برخورداری از نیازهای اساسی مانند مسکن، تغذیه، آموزش، بهداشت و بیمه	۱۷	

نتیجه گیری

عبارت "آموزش شهروندی" تعمداً در این مقاله به کار رفته زیرا عبارتی است که این زمینه را در برنامه درسی در غالب کشورهای جهان توصیف میکند. اگرچه تالش میشود تا آموزش شهروندی و آموزش مدنی تمایز ایجاد شود اما موضوع آموزش شهروندی با طیف وسیعی از عبارات در ۱۵ کشور پوشش داده شده و شامل موضوعات بسیاری است. این عبارات شامل شهروندی، تعلیمات مدنی، علوم اجتماعی، مطالعات اجتماعی، مطالعات جهانی، جامعه، مطالعات جامعه، مهارتهای زندگی و آموزش اخالق است. این موضوع همچنین با موضوعات و گزینه هایی از جمله تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، حقوق، سیاست، مطالعات زیست محیطی، آموزش ارزشها، مطالعات مذهبی، زبان و علوم مرتبط است. دامنه عبارات و

ارتباط موضوعات تأکیدی است بر وسعت و پیچیدگی مسائل بررسی شده در این زمینه. آموزش شهروندی در بسیاری از کشورها در حال حاضر موضوع روز است زیرا قرن جدید نزدیک شده و ضرورت توجه به بهتر آماده کردن افراد جوان برای رویارویی با چالشها و بی ثباتیهای زندگی در یک جهان به سرعت در حال تغییر احساس میشود (Pike, 2008). نتیجه گیری: این تحقیق نشان داد که مولفه های نظام آموزش شهروندی ۱۲ مورد می باشد و بر اساس این تحقیق متخصصان مدیریت شهری می توانند با تقویت این مولفه ها نظام آموزش شهروندی را استقرار و توسعه دهند. مولفه ها عبارتند از: ۱- دستیابی به آموزش و دانش ۲- شناخت رساله حقوق شهروندی ۳- رعایت حقوق همسایگان ۴- رعایت حقوق اقلیت ها ۵- رعایت حقوق دیگر شهروندان ۶- نگهداری از محیط زیست ۷- دستیابی به حمل و نقل عمومی ۸- حفاظت از زبان و میراث فرهنگی ۹- آزادی شرکت در انتخابات محلی ۱۰- حق گردهمایی و پیگیری امور ۱۱- حق مشارکت در امور شهری ۱۲- برخورداری از نیازهای اساسی مانند مسکن، تغذیه، آموزش، بهداشت و بیمه



- Citizenship Education (with .). (۲۰۰۹). Jamshidian A و M. Barkhordari
.Isfahan: ISBA Publication *Emphasis on Indices*(In Persian)
- Global citizenship education and its .others (۲۰۱۳). S Zahabioun
implications for curriculum goals at the age of globalization
.pp. 195-206 , (۱)۶. *International Education Studies*
- The place of Citizenship Education in Iranian .(۲۰۰۹). T Diba Vajari
*Education and School PROGRAM'S,3rd International Technology
Development Conference (Journal),Valencia,Spania*
- مجید کاشانی. (۱۳۹۱). سنجش میزان اثربخشی ایستگاههای سیار آموزش شهروندی.
معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- What Kind of Citizen? What Kind of Democracy? .(۲۰۰۸). B Gert
.Citizenship of Education and the Scottish Curriculum for Excellence
Scottish Education Review ، ۲ (۸)، ۳۸-۵۲.
- Reconstructing the legend: Educating for global .(۲۰۰۸). G Pike
citizenship. Abdi, A and Shultz, L. (eds), Educating for Human Rights
New York State : University of New York . and Global Citizenship
.Press, pp. 223-237*
- Citizenship and Neo-Virtualistic Politics (In .(۲۰۰۶). M Baratalipour
Tehran: National Studies Institution Publication .Persian)*
- Critical survey of curriculum .others (۲۰۰۸). M Yarmohammadean
Elements in the progressive and conservative Citizenship
(Issue 17). Educational Approaches. Curriculum planning (In Persian)
P 27
- Children's Fiction as a Source for .(۲۰۰۶). M Thomas و Gowan Mc
studies Skill-Building, ERIC Clearinghouse for Social Studies Social
Social Science Education
- حسین لطف آبادی. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام
ارزشی دانشآموزان. نوآوری های آموزشی.

- حسینی، و همکاران. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش شهروند خانواده در مدارس ابتدایی. *جامعه نمونه*.
- دوستی، و شهرکی. (۱۳۸۸). (.) « پلیس و آموزش حقوق شهروندی در ب نی مردم شهر تهران. *مطالعات راهبردی*، دوره ۱۲.
- رضا صفری کنگ، و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی نقش آموزشهای شهروندی در مدیریت پسماند. *ششمین همایش بین المللی مدیریت پسماند*.
- سلیمان ایرانزاده، و صادق بابایی هروی. (۱۳۸۹). شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر در توانمندسازی به روش تاپسیس. *فراسوی مدیریت*.
- سینا فیضی، و همکاران. (۱۳۹۵). نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تاثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود ونیم نگاهی به دیدگاه منابع اسالمی. *مطالعات علوم انسانی*.
- صمد ایزدی، و علی آقامحمدی. (۱۳۱۱). *آموزش شهروندی، حقوق انسانی و مسئولیت پذیری اجتماعی در نظام آموزشی* چاپ اول. نشر مرکز مطبوعات و انتشارات.
- علی ابن ابی طالب. (۴۰ هجری). *نهج البلاغه* (سید رضی) ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- قرآن کریم. (۶۰۹م). *قرآن کریم*. تهران.
- محمد علی مجلل چوبقلو. (۱۳۸۷). تحلیل برنامه ی درسی اجرا شده ی مقطع ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسالمی ایران از بعد تربیت شهروندی. *پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد شماره هفدهم*.
- مریم نجار نهاوندی، و همکاران. (۱۳۹۴). سنجش تأثیر آموزش شهروندی بر توانمندسازی زنان. زن در توسعه و سیاست.
- مهنوش امینی، و همکاران. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر رفتار شهروندی سازمانی پرستاران. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*.
- نازیلا خطیب زنجانی. (۱۳۸۹). بررسی و تعیین اثربخشی آموزش غیررسمی الکترونیکی شهروندی و مقاسه آن با روش آموزش غیررسمی حضوری در سازمان. دومین کنفرانس بین المللی یادگیری و آموزش الکترونیک.
- ناصر علیدوستی. (۱۳۸۸). پلیس و آموزش حقوق شهروندی. *مطالعات راهبردی شماره ۴۴*.